

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حمید فرخ  
۲۶ جنوری ۲۰۲۲

## امریکای لاتین: تاراج، رویارویی، مقاومت

بخش دوم: مقاومت



در بخش نخست این مقاله نگاهی گذرا داشتیم به تحولات امریکای لاتین در یک قرن گذشته، در جست و جوی یافتن و نمایاندن جنبه‌های عامّ تحولات در این کشورها. این سفر صد ساله را می‌توان – با تساهل فراوان – در یک رویارویی قارّئی خلاصه کرد:

\*در یک سو سرمایه‌های بزرگ ایالات متّحده و کشورهای قاره و سرمایه‌های فراملّیتی، که در جست و جوی موادّ خام و نیروی کار ارزان بوده و هستند و تکیه‌گاه سیاسی‌شان در هرکشور احزاب و نیروهای دست راستی است؛  
\*در سوی دیگر توده‌های کار در کشورهای قاره، که خواهان یک زندگی انسانی، دور از فقر و بردگی، در رفاه نسبی، همراه با تندرستی و آرامش هستند و تکیه‌گاه سیاسی‌شان طیفی وسیع از احزاب و جنبش‌های ترقّی‌خواه و «چپ» است.  
در دهه اخیر این رویارویی، علاوه بر اشکال خشونت‌بار قدیمی (دیکتاتوری، سرکوب، کودتا، مداخله نظامی...) اشکال جدیدی هم به خود گرفته و به یک جنگ تمام عیار در عرصه‌های نظامی و امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک، تجاری و اقتصادی، پولی و مالی، رسانه‌ئی و خیری، ایدئولوژیک و تئوریک، روحی و روانی، حقوقی و قضائی... بدل شده است. اما هم طمع سرمایه و سرمایه‌داران کشورها و ایالات متّحده کماکان بر جا باقی است و هم مقاومت مردمان.  
در این بخش به جنبه‌های عمده این مقاومت در سال‌های اخیر می‌پردازیم.

## ۱. سناریوی در ۴ پرده:

برای آن که دست سرمایه در تاراج مواد خام و نیروی کار در کشوری باز باشد لازم است که قدرت سیاسی در دست نیروهائی باشد که مشی‌شان بر بی‌بندوباری اقتصادی و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی استوار باشد. هدف سیاسی سرمایه به دست گرفتن قدرت سیاسی است.

در دهه نخست قرن بیست و یکم در برخی از کشورهای امریکای لاتین طیفی از نیروهای «چپ» به قدرت رسیده بودند که سیاست‌هایشان در زمینه اجتماعی مانعی در راه تاراج پیش‌گفته در آن کشورها و سود حداکثر سرمایه متحد به شمار می‌رفت. سرمایه نیاز داشت (و دارد) که در این کشورها نیروهای وفادار به خود - یعنی (نئو) لیبرال‌ها را به قدرت برگرداند. سناریوی کلی این «به قدرت برگرداندن» را می‌توان، در تابلویی در چهار پرده، بدین‌گونه خلاصه کرد:

**یک:** نارضایتی توده‌ها، و در پی آن...

**دو:** بی‌ثباتی کشور، آشفتگی و اغتشاش، و در پی آن...

**سه:** تغییر قدرت سیاسی از راه انتخابات (سالم یا دستکاری شده) یا از راه کودتا (چه نرم و چه خشن و خونبار)، و در پی آن...

**چهار:** اگر لازم شد، دخالت و تهاجم نظامی برای حمایت از قدرت تازه.

روشن است که این مراحل البته اغلب مرز روشن و مشخصی ندارد و حدودشان غالباً در هم آمیخته است.

برای ما که در قاره‌ها و کشورهای دیگر وقایع کشورهای امریکای لاتین را دنبال می‌کنیم (اغلب از طریق اخباری که از صافی خبرگزاری‌های کشورهای بزرگ سرمایه‌داری می‌گذرد) پرده سوم و چهارم این سناریو قسمت مرئی یک کوه یخ است که می‌بینیم. اما واقعیت این است که پرده‌های اول و دوم هستند که سرمایه متحد و متشکل در سطح جهانی برای آنها عمده پول و نیرو و وقت را صرف می‌کند. موفقیت یا عدم موفقیت مقاومت نیز در واکنش به همین مراحل ابتدائی نهفته است. جنبه‌های اصلی و بنیانی مقاومت را باید در همین پرده‌های اول و دوم تهاجم جست.

پیش از پرداختن به اشکال گوناگون مقاومت در برابر هجوم‌های سرمایه‌داری، یادآوری کنیم که این مقاومت‌ها عمدتاً در دو سطح سازمان و جریان می‌یابد: ۱. در سطح نهادهای کشوری و با سیاست‌گذاری اقتصادی و سیاسی؛ ۲. در سطح توده‌ها و با مشارکت توده‌ها.

با توجه به تاریخ مبارزات هر کشور و با توجه به ایدئولوژی‌های احزاب و جریان‌های «چپ»، در هر کشور با ترکیبی متفاوت از این دو جنبه روبه‌رو هستیم.

## ۲. مقاومت «از پائین»

خواست اساسی اقشار وسیع مردم - زحمتکشان و لایه‌های میانی - زندگی در رفاه نسبی و آرامش است، به دور از فقر و به دور از جان‌کندن برای یک لقمه نان و یک سرپناه.

از این رو بهداشت، درمان، آموزش و کلاً برقراری عدالت اجتماعی، فقرزدائی و تأمین رفاه اکثریت وسیع مردم در رضایت یا نارضایتی آنان تأثیر عمیقی دارد و عرصه اصلی نبرد به شمار می‌رود. نیروهای «چپ» در کشورهای گوناگون پیروزی‌های چشمگیری در این زمینه‌ها داشته‌اند:

در ونزوئلا میزان ۸۰ درصدی فقر در سال ۱۹۹۸ به ۴۵ درصد در ۲۰۰۳ و ۲۵ درصد در ۲۰۱۲ کاهش یافت. در ارجنتاین میزان فقر از ۴۷ درصد در ۲۰۰۳ به ۱۶ درصد در ۲۰۰۷ رسید. در اکواتر وزارت رفاه دست به اصلاحات

اجتماعی وسیعی زد و برای مثال میزان بیسوادی را در طی دو سال از ۹,۳ درصد به ۲,۷ درصد رسانید. در آروگونه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ میزان بیکاری از ۱۳ درصد به ۷ درصد و میزان فقر از ۴۰ درصد به ۱۱ درصد رسید و حداقل دستمزدها ۲۵۰ درصد افزایش پیدا کرد. این چنین موفقیت‌هایی در نیکاراگوه، برازیل، کاستاریکا و پاراگوه نیز قابل مشاهده‌اند.

لیکن گذشته از بهبود نسبی زندگی مادی زحمتکشان، نکته مهم‌تری نیز در این موفقیت‌ها قابل اعتناست و آن پیامی است که خرده‌خرده در ذهن مردمان جای می‌گیرد: «می‌توان!... می‌شود!... جهان دیگری ممکن است! فقر و بندگی تقدیری آسمانی و محتوم نیست. کاهش فقر و بیکاری و زندگی بهتر می‌تواند خیال و رؤیا نباشد.»

این موفقیت‌ها عمدتاً نتیجه مقاومت سیاسی و اقتصادی دولت‌های حاکم «چپ» و طرد (نئولیبرالیسم است. اما، همانطور که گفتیم، مشارکت مردمی در مقاومت به درجات گوناگون با این مقاومت «از بالا» آمیخته و توأم است. در برخی کشورها و برای بعضی از نیروهای «چپ» اعتماد به توده‌ها و به ویژه سازماندهی آنان، خبر رسانی، آگاه نگاه داشتن مردم و تأمین مشارکت‌شان در زندگی اقتصادی و سیاسی پایه و بنیان اصلی مقاومت در برابر تهاجم‌های سرمایه را تشکیل می‌دهد.

مشخصاً سه کشور پایه اصلی مقاومت‌شان را بر آگاهی و مشارکت سازمان‌یافته مردمی استوار کرده‌اند: کوبا، نیکاراگوه و ونزوئلا.

کمیته‌های «همبودی»های ۱ محلی در نیکاراگوه، شوراهای «همبود» ۲ در ونزوئلا و تشکیلات گوناگون محلی و شهری، شوراهای کمیته‌های دفاع از انقلاب و دفاع غیرنظامی در کوبا در خبررسانی و سازماندهی اقشار وسیع مردم نقش اساسی دارند.

ظاهراً بی‌دلیل نیست که سنگین‌ترین فشارها (محاصره و تحریم‌های اقتصادی) از جانب ایالات متحده دقیقاً همین سه کشور را هدف گرفته است. نتیجه مستقیم و ملموس این تحریم‌ها فشار مادی بر زندگی روزمره مردم، ایجاد نارضایتی و در نتیجه رویگردانی آنان از حکومت کشور است. به ویژه آن که محاصره اقتصادی، در دراز مدت، مانع ایجاد ساختارهای بنیانی و توسعه اقتصاد کشور و استقلال آن از سرمایه‌های ایالات متحده و سرمایه‌های فرامآییتی نیز می‌شود. مکمل این فشار مادی بر اقشار وسیع زحمتکشان جنگ روانی و خبری اطلاعاتی و تبلیغاتی است تا رهبران کشور و سیاست آنان منحصراً مقصر شرایط دشوار زندگی مردم دانسته شوند.

### ۳. مقاومت «از بالا»

تکیه بر مقاومت و مشارکت توده‌ها و مقاومت «از پایین» با سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها و مقاومت «از بالا» گره می‌خورد. نمونه‌هایی از این سیاست‌ها چنین است:

#### در نیکاراگوه

\* ابتکار دولت برای میثاق سه جانبه میان دولت، کارفرمایان و اتحادیه‌های مزدگیران با هدف تحکیم اقتصاد کشور و مبارزه با فقر. هرچند قانون موسوم به «مگنیتسکی ۳» در ایالات متحده (مبنتی بر تحریم شرکت‌هایی که با دولت نیکاراگوه همکاری کنند) باعث شد بخشی از کارفرمایان از این میثاق پا پس بکشند.

\* طرح «گرسنگی صفر»: اعطای قطعات کوچک زمین زراعی و دام به کشاورزان تهیدست، برای گسترش تولید کشاورزی و دامپروری.

\* طرح «ر با صفر»: دادن اعتبار و وام بدون بهره به شرکت‌های کوچک تولید و توزیع.  
\* تأمین اعتبار برای ساخت گسترده راه و پارک‌های عمومی توسط شهرداری‌ها.

## در کوبا

\* تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی کشور برای به‌روز کردن مدل اقتصادی سوسیالیستی: حفظ مدل برنامه‌ریزی متمرکز و تمرکززدایی تدریجی در تصمیمات روزمره.  
\* گشایش و توسعه بخش تعاونی و خصوصی، به ویژه در زمینه خدمات.  
\* تغییر نظام پولی و حذف سیستم با دو واحد پول.  
\* تحکیم نظام آموزشی و بهداشتی (بهداشت و درمان) کوبا که در امریکای لاتین نمونه و زبانزد است.  
\* ضمناً در امریکای لاتین کوبا پیشاهنگ پژوهش و ترقی علمی به شمار می‌رود.

## در ونزوئلا

\* نظام بهداشتی عمومی با پزشکان خانواده در سراسر کشور.  
\* آب، برق، گاز و بنزین تقریباً رایگان.  
\* ممنوعیت اخراج مزدبگیران.  
\* ممنوعیت اخراج مستأجران از خانه‌هایشان.  
\* گشایش ۲۰۰ «پایگاه مأموریت اجتماعی» برای ارائه خدمات اجتماعی پایه.  
با این حال تورم فوق‌العاده در ونزوئلا (که ناشی از عوامل تاریخی، تکاپوهای قدرتمندان و سرمایه‌داران، ضعف بنیادی ساختار اقتصادی کشور و بالأخره بازار سیاه ارز است) تلاش‌های دولت را در بسیاری موارد با دشواری‌های فراوان روبه‌رو می‌کند. ضمن این که نباید فراموش کرد که این تلاش‌ها در خطی مستقیم پیش نمی‌رود و به نظر می‌رسد فشارها برای سمتگیری با عدم مداخله دولت و بازگشت به لیبرالیسم بر بخشی از رهبران کشور تأثیر گذاشته است.<sup>۴</sup>  
مقاومت «از بالا» تنها در اقدامات اجتماعی و اقتصادی خلاصه نمی‌شود و مبارزات حقوقی و قانونی و دیپلماتیک - چه در سطح کشور، چه در سطح بین‌المللی - را هم در برمی‌گیرد. همبستگی بین‌المللی با کشورهای دوست - چه در خود امریکای لاتین، چه با کشورهای دیگر مانند چین و ویتنام و روسیه - یکی از پایه‌های اساسی مقاومت به شمار می‌رود. نمونه عمده این همبستگی و همیاری بین‌المللی تشکیل آلبا «پیوند بلیواری برای امریکای ما - پیمان بازرگانی مردمان»<sup>۵</sup> است. این سازمان همیاری بین‌المللی در سال ۲۰۰۷ به ابتکار فیدل کاسترو و هوگو چاوز در مقابله با «سازمان منطقه مبادله آزاد امریکا»<sup>۶</sup>، به سرکردگی ایالات متحده، تشکیل شد. هدف آن تأمین استقلال از تحمیلات اقتصادی و تجاری ایالات متحده است و ۱۰ کشور امریکای لاتین با ۷۵ میلیون جمعیت را در بر می‌گیرد.  
جنبه دیگر، حفظ تبادل سیاسی و دیپلماتیک با کشورهای متخاصم است که نمونه آن تداوم حضور نیکاراگوئه در «سازمان کشورهای امریکا» است. با این که این سازمان تحت نفوذ دولت‌های دست راستی همپیمان با ایالات متحده است و در کارزار بی‌ثبات کردن نیکاراگوئه شرکت می‌کند، با این حال نیکاراگوئه همچنان حضور در آن را برای تداوم مذاکره، حفظ صلح و تحمیل احترام به حاکمیت کشورها مغتنم می‌شمارد.

۴. از نارضايتی تا آشفتگی و بی‌ثباتی، در راه تغییر قدرت سیاسی

در مرز پرده «نارضایتی مردم» و پرده «آشفته‌گی و بی‌ثباتی» جنگ خبری و رسانه‌ئی قرار دارد که مقاومت در این زمینه، همانطور که گفته شد، عمدتاً با تکیه بر اعتماد به توده‌ها و سازماندهی آنان، بالابردن سطح آگاهی اجتماعی ایشان و جلب اعتماد آنان صورت می‌گیرد.

اما در مرز پرده «آشفته‌گی و بی‌ثباتی» و پرده «تغییر قدرت سیاسی»، انتخابات نیز خود عرصه دیگری از رویارویی نیروهای مردمی و نیروهای سرمایه است. برای دستیابی به قدرت سیاسی، اغتشاش در انتخابات همواره از هدف‌های همیشگی نیروهای سرمایه‌داری متحد و متشکل بوده است. از کمک پولی بی‌حساب به مخالفان تا دستکاری افکار عمومی (در خود کشورها یا در ایالات متحده و اروپا)، دستکاری انتخابات و دخالت مستقیم در آن، تحریم انتخابات، به رسمیت نشناختن نتیجه آن، علم کردن یک رئیس‌جمهور خودخوانده... همگی شگردهای مناسبی برای حفظ قدرت سیاسی در دست نیروهای حافظ منافع سرمایه به شمار می‌روند. از این رو برگزاری منظم انتخابات سالم، با حضور وسیع مردم، و تجدید نهادهای سیاسی جلوه دیگری از مقاومت در برابر نیروهای سرمایه‌داری است.

اما در همین مرحله هم – به موازات دخالت در انتخابات و زندگی عادی کشورها – نیروهای سرمایه‌داری و پشتیبان نظامی‌شان، ایالات متحده، همچنان تغییر قدرت از راه زور، خشونت، کودتا و دخالت نظامی را در دستور روز دارند. رمن میگوس<sup>۷</sup>، روزنامه‌نگار و نویسنده فرانسوی، گاشمار دقیق ۱۰۶ اقدام نظامی ایالات متحده علیه دولت قانونی ونزویلا را از جون ۲۰۱۳ تا اپریل ۲۰۲۱ تدوین کرده است. چنین گاشماری را می‌توان، نه تنها برای کوبا و نیکار آگوئه، بلکه برای تکتک حکومت‌های ترقی‌خواه امریکای لاتین، نیز براحتی نوشت.

## پایان سخن

اشکال گوناگون مقاومت در برابر نیروهای سرمایه را می‌توان بدین‌گونه خلاصه کرد:

**یک:** تلاش برای مبارزه با فقر و برای برقراری عدالت اجتماعی و رضایت جمعی، در عین تلاش برای تحکیم بنیان‌های اقتصادی و توسعه صنعتی.

**دو:** سازماندهی توده‌ها؛ تأمین مشارکت حداکثری آنان در زندگی روزمره سیاسی و اقتصادی و تصمیم‌گیری جمعی متکی به نظر توده‌های مردم؛ دفاع جمعی از دستاوردها.

**سه:** خبررسانی شفاف، سالم و گسترده با هدف بالابردن سطح اطلاع و آگاهی اجتماعی همگانی.

موفقیت در جبهه‌های دیگر (مبارزه حقوقی-قضائی و دیپلماتیک؛ انتخاباتی؛ خبری، اطلاعاتی و رسانه‌ئی؛ امنیتی و نظامی...) در گرو موفقیت اشکال پیش‌گفته مقاومت در مراحل اولیه است. توده‌های مردم فقط سیاهی‌لشکر درگیری‌های نخبگان بالادستی و سیاست‌بازان حرفه‌ئی نیستند، بلکه نقش‌آفرینان واقعی سیاست و اقتصاد و مبارزه و مقاومت‌اند. اولویت با آنان است.

۱. همبودی = comunidad, communauté, community

۲. همبود = comuna, commune = این دو برابر نهاده از زنده‌یاد ایرج اسکندری، است.

3. Global Magnitsky Act

۴. ر.ک. «گسستی اعلام نشده در خط مشی سیاسی ونزویلا». دانش و امید شماره ۷.

5. ALBA : Alianza Bolivariana para los Pueblos de Nuestra América – Tratado de Comercio de los Pueblos

6. FTAA :Free Trade Area of the Americas

7. Romain Migus

دانش و امید، شماره ۸، آبان [عقرب] ۱۴۰۰